

**مصاحبه کننده :** انجمن انقلابی زنان افغانستان (راوا).  
**منبع و تاریخ نشر :** گلوبال ریسرچ « 11-01-2018 ».  
**برگردان :** پوهند وی دوکتور سید حسام «مل».

---

**ایالات متحده امریکا به طالبان ضرورت دارد تا  
حضور نظامی خود را در افغانستان توجیه نماید .  
US Needs Taliban to justify its military presence in  
Afghanistan**

مصاحبه با انجمن انقلابی زنان افغانستان «راوا» سیاست خارجی ایالات متحده امریکا  
در تحت زعامت روسایی جمهور جدید نیز تغییر نکرد؟

هرکس که در کاخ سفید نشسته است به حفظ منافع یک فیصد (1%) از سرمایه داران به  
گسترش جنگ در سراسر جهان ادامه خواهد داد. تا هژمونی ایالات متحده امریکا را



در جهان حفظ کند ؛ از سوی هم بسیاری از شرکت ها ؛ تولید کنندگان اسلحه و شرکت  
های که مزدوران را استخدام کرده اند همه از جنگ بهره میگیرند و یا از فرصت های  
بازسازی فراوان ناشی از ویرانی جنگ سودمیبیرند ؛ افزایش تعداد نیروهای نظامی  
ایالات متحده امریکا در افغانستان هرگز بخاطر تامین امنیت در کشور نبوده و یانه هم  
امریکا آنچه را که خلق کرده مثل طالبان و (اس آی اس - ISIS) را از بین میبرد بلکه

این امریکا است که در منطقه برای رقبای خود اعم از چین و روسیه و ایران قدرت خود را نشان میدهد.

علیرغم تفاوت‌ها و اختلافات آنها هدف ایالات متحده امریکا و ایران در افغانستان در یک نقطه متمرکز میشود و آنهم ارتقای سطح اندیشه بنیادگرایی و حمایت همیشگی از عناصر ارتجاعی و تاریک اندیشان و جنایت کاران بنیادگرا همان سان که ایالات متحده امریکا توسط همین بنیادگرایان مزدور خود در دهه های (1980) و (1990) صدها تن از انقلابیون و مبارزان راه آزادی و مقاومت را نیست و نابود کرد تا که بتواند از ظهور اندیشه های ملی و مبارزات آزاد یخواهی و شخصیت های مستقل و وطنخواه جلوگیری بعمل آورد و این مطالب را فریبا (Friba) نماینده (راوا) اظهار داشت .

**ایدو مونتیسانتی (Edu Montesanti) لطفاً راجع به اعتراض که در ماه اکتوبر در کابل صورت گرفت صحبت کنید؟ چونکه دقیقاً این اعتراض توسط افغان ها صورت گرفت.**

**فریبا سخنگوی (راوا) :** اعتراض در (6) ماه اکتوبر توسط حزب همبستگی افغانستان (solidarity party of Afghanistan = SPA) در برابر شانزدهمین سالگرد تهاجم ایالات متحده امریکا بر افغانستان برگزار شد. حزب همبستگی افغانستان یک حزب دموکرات ملی گرایانه و مترقی است که استقلال، آزادی، دموکراسی، سکولاریزم و برابری را بیان میکند؛ این اعتراض هر سال در ماه اکتوبر برگزار میشود؛ و معترضان خواستار پایان اشغال و مداخله امریکا و متحدان آن در افغانستان و دیگر قدرت های در منطقه میشوند آنها یعنی این معترضان با خود پلی کارت ها و تصاویر از جنایات فجیعی امریکا را در افغانستان حمل کرده و ب مردم نشان دادند و در شعارهای خود خواستار پایان دادن به اشغال افغانستان و چین پایگاه های نظامی امریکا - ناتو از افغانستان شدند و در شعارهای خود و انمود ساختند که ایالات متحده امریکا و ناتو دست نشانده گان شان که مدعی اند در این کشور صلح را بوجود می آورند جز معما و معجزه چیزی دیگر نخواهد بود .

این حزب همچنین شعارهای را مبنی بر محکومیت، حکومت عروسی و دست نشانده افغانی متشکل از مجاهدین جنایتکار بنیادگرایان و معاهده صلح با گلبدین حکمتیار یا جنایت کار و قاتل را نیز سر میدادند.

همچنان حزب همبستگی افغانستان در تظاهرات خود تاریخ (28) ماه اپریل و (هشتم ماه ثور) را که بنیادگرایان جهادی کابل را در سال (1992) در تحت تصرف خود آوردند محکوم کردند یعنی همان مجاهدین عروسک و مزدور را که ایالات متحده امریکا بر سر قدرت آوردند و تا همین اکنون بالای مردم افغانستان حکومت میکنند.

**ایدو مونتیسانتی:** شما برایم گفته بودید که جوانان افغان توسط «امپراتوری» از قبل

خریداری میشوند ، لطفاً در این مورد توضیح دهید ؟

**فریبا:** از مدت (40) سال که امریکا در افغانستان بالای پروژه از قبل طرح شده ای خود کار کرده است و بخاطر تحقق اهداف بلند مدت خود از قبل بالای جوانان افغانستان بخاطر ایجاد کادر های بخود وفادار سرمایه گذاری کرده است و سازمان (سی آی ای) در این مورد به آموزش و تربیت نوکر ها و چاکر های گوش فرمان خود چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ نظامی بخاطر پر کردن کمبودی های کادر های وفادار خود بعد از اشغال افغانستان در زاین زمینه از هیچگونه تلاش اش مضایقه نکرده است. از اینکه تا بتواند دولت دست نشانده آینده خود را براحتی بر سر قدرت آورد. بخشی از این جوانان استخدام شونده از طریق برنامه های مانند ( « سپاه صلح = peace corps » یا سازمان دولتی جوانان دواطلب امریکا که توسط اف جان کیندی در سال «1961» ایجاد شد .... از ویکی پیدیا ) . جوانان افغانی که تصاویر شان را در زیر مشاهده میکنید بخاطر تحصیل در دانشگاه امریکایی بیروت ثبت نام شدند که عبارت اند از :



دوره آموزشی ایالات متحده (منبع Edu Montesanti )

زلمی «خلیل زاد» ، حامد «کرزی» ، اشرف «غنی» ، فاروق «وردک» ، عزیزالله «لودین» ، یوسف «پشتون» و انورالحق «احدی» که از سال (2001) به بعد در رُست ها و در مقامات کلیدی قدرت دولتی تکیه زدند . ما همچنان از سال (2001) به اینسوبا چشم سر مشاهده میکنیم که ایالات متحده امریکا

در افغانستان موج تازه ای از برنامه های قبلی خود را به نمایش گذاشته است و آن اینکه جوانان افغانستان تحت اشغال را مستقیماً در تحت آموزش قرار داده است و از جانب دیگر تعداد ماموران تحصیل کرده و آموزش دیدگان امریکایی افغان در بدنه دولت بیشتر شده است و از طریق برنامه های مانند برنامه فولبیرایت این پروگرام آموزشی امریکایی ها در خارج و در داخل کشور دوام دارد که جوانان افغانستان بیشترین دریافت کنندگان بورس های تحصیلی برنامه فولبیرایت میباشند و همچنان برنامه بین المللی بازدید کنندگان رهبری (Leadership program international visitor) که از نوع شیوه های آموزشی سازمان (سی آی ای) میباشند نیز بیشتر شده است.

افزون بر آن کادرهای که از آنها در فوق نام بردیم کادرهای جدید آموزش دیده و تحت نظارت ایالات متحده امریکا اعم از امرالله «صالح»، حنیف «اتمر»، نادر «نادری»، جاوید «لودین»، اسد «ضمیر»، وحید «عمر»، صدیق «صدیقی»، سیما «ثمر»، دادفر «سپنتا»، سعید «محسنی»، جواد «طیب»، اعظم «دادفر»، داود «مرادایان» و دیگران - که پس از چند دهه سرمایه گذاری که امریکا در این مورد نموده بود امروز از این بیروکرات های جدید غیر نظامی میتواند تا چند نسل آینده در افغانستان دولت های دست نشانده ای خود را یکی بعد از دیگری بر آریکه قدرت بنشانند.

لازم به تذکر است که پس از سقوط به اصطلاح کمونیست ها اعم از خلق و پرچم در سال (1978) تا سال (1992) بسیاری از عوامل سازمان امنیت و همکاری ویا (KGB) افغانستان به دشمن افغانستان امریکا همچو جهاد یست های نوکر صفت و بنیاد گرایان که بعد از سال (1992) تکیه بر قدرت زدند و تا هنوز بر سر اقتدار هستند به پیشقدمی و نوکری امریکا در آمده اند.

حنیف «اتمر» یکی از مهمترین چهره های دولت فعلی، یک خردمند و قائل انقلابین و روشنفکران در طول زماننداری خلقی ها و پرچمی ها بوده، فرید «مزدک»، نورالحق «علمی»، محمد «گلاب زوی» دستگیر «پنجشیری» عبدالله «شادان» شهنواز «تنی» وزیر دفاع دولت عروسک شوروی که با جنگ سالار بنیاد گرا گلبدین «حکمتیار» با هم در تلاش یک کودتا ناکام ماند و خلیل «زمر» را میتوان نام گرفت، نویسندگان اعم از لطیف «پدرام» رهنورد «زریاب»، پرتاو «نادری» و آصف «باختری» نیز در همین مسیر نوکری و بندگی قدم بر میدارند که تا هنوز در خدمت هستند.

سازمان های غیر دولتی در افغانستان پس از تهاجم ایالات متحده امریکا بر افغانستان بطور چشمگیری افزایش یافته است که این خود یک ابزار دیگری بدست امریکا بخاطر خنثی کردن فعالیت های جوانان مبارز و انقلابی علیه مهاجمان خارجی و نوکران مزدور صفت محلی آنها میباشد. این سازمانهای غیردولتی مبالغه انگیزی را از سفارت امریکا و از موسسه بدنام آن یعنی (USAID) بدست می آورند این سازمانهای غیر دولتی

از زمان بوجود آمدن خود بطور گسترده ای در پروژه های جنايتکارانه امريکا ضد مردم در امريکای لاتين کا روفعاليت نموده که یک گروه جدید ساختگی و فریبنده از جوانان را ایجاد کرده که مبالغه انگیزی را در بازگشت برای پیشبرد اهداف امريکا در کشور ما بکار می اندازند.

گسترش «فرهنگ امپریالیستی» همواره وظیفه ای سازمان های غیر دولتی حمایت شده از سوی ایالات متحده امريکا در سراسر جهان بوده است. جوانان منسوب به این سازمانهای غیر دولتی امروز فقط به ارتباط علاقه ایالات متحده امريکا در افغانستان مینگرند و تنها برای سود و تامین منافع امريکا به تبلیغ می پردازند و نه به تامین منافع کشورشان.

این پسران و دختران با استفاده از پول و قدرت و وعده های زندگی راحت بار در خارج از کشور تطمیع میشوند و خصلت ناسیونالیستی، مبارزه در راه ترقی و استقلال طلبی و آزادی کشور از مغز آنها بیرون و همه ای آنها مغزشوی میشوند، سازمانها و گروهها و گروهیکها ما نند جمعیت اسلامی افغانستان (Jamiat Islahmy Afghanistan) یک سازمان سلفی با دلار امريکایی برای گسترش اندیشه های اخوانی گری و بنیادگرایی و اندیشه ها سهل انگارانه و کورکورانه در میان جوانان مصروف فعالیت هستند.

این تازه کارها نه تنها که مقدمات بلند پایه را در دولت اشغال میکنند بلکه همچنین ایجاد گروهها و اهدا کنندگان به اکثریت سازمانهای غیردولتی و رسانه های (آزاد) در افغانستان نیز هستند. که این رسانه ها بطور فعال بخاطر کنترل افکار عمومی جامعه به نفع استعمار ایالات متحده امريکا کار میکنند. اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امريکا مجدداً اهدا کننده و تمویل کننده این نهادها در افغانستان میباشد.

پوهنتونها و دانشگاه های خصوصی و دولتی در افغانستان از یک برنامه آموزشی و روش آموزشی به سبک امريکا استفاده میکند و یا همچو برنامه را به کار انداخته اند که طرفدار امريکا و حامی کلتور و روش امپریالیسم امريکا میباشد. بخصوص بطرفداري از اشغال افغانستان توسط امريکا در دانشگاهها تدریس صورت میگیرد و آن هم به این نحوه که اشغال افغانستان توسط امريکا یک اقدام طبیعی و ضروری بخاطر نجات وطن بوده و بطور کلی در اجندای صحبت و لکچرهای سیاسی تعلیمات عالی میباشد و آنهم بخاطر جلوگیری از بحث در مورد موضوعات مترقی و انقلابی و یا دورنگهداشتن محصلان و محصولات از دانش های مترقی ضد امپریالیستی و ضد استعمار و اشغالگری. چنانچه وقتیکه اشرف (غنی) ریس جمهور فعلی در سال (2005) به حیث ریس پوهنتون کابل ایفای وظیفه میکرد، این اطمینان را داد که در پوهنتون هیچ جروب بحث در مورد فعالیت های سیاسی و انقلابی صورت نمیگیرد.

تمام این تلاشها بخاطر جلوگیری از ظهور نیروهای جوانان فعال ضد اشغالگری:

مطلب مهم دیگر قابل تذکر اینک امروز ایران در افغانستان از موفقیت های چشمگیر زیادی فرهنگی و سیاسی برخوردار است و با گذشت هر روز دامنه ای نفوذ فرهنگی و سیاسی خود را توسط اعمال خویش در افغانستان گسترش میدهد که دامنه گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران در این سه دهه گذشته بمراتب نسبت به وسعت نفوذ ایالات متحده امریکا در افغانستان میباید شد. رژیم تیوکراتیک ایران در بین عوامل و جواسیس خاین افغانی خود یعنی هم در صفوف ستیزه جویان و هم در بین روشنفکران افغان خود کار زیادی کرده است و احزاب و سازمان های اسلامی افراطی و بنیادگرایان اسلامی را در افغانستان اعم از حزب وحدت اسلامی، ایتلاف ملی و حرکت شیخ «محسنی» را در تحت حمایت ما دی و معنوی خود قرار داده است.

امروز ایران افزون به اینکه به طالبان جنایتکار کمک مینماید و در دولت کنونی افغانستان به خرید جواسیس می پردازد (چنانچه حامد «کرزی» ریس جمهور پیشین افغانستان صریحاً اعتراف کرد که او برای مصارف دفتر خود بسته های نقدی دالری را از ایران دریافت میکند) ایران تعداد انگشت شماری از روشنفکران قلم بدستان افغانی را در اختیار خود دارد و در کنار آن شماری از سخنرانان و حمد و ثناگویان رژیم فاشست ایران بطور فعالانه در میزبانی و در رسانه ها و کانال های تلویزیونهای افغانی و در روزنامه های مجانی به نفع ایران قلمپردازی و سخنرانی میکنند تلویزیون های را که مصارف آنها را ایران می پردازد و آنهم که این روشنفکران خابین زر خرید افغانی توسط ایران که به خاطر تبلیغ و ترویج چرندیات و ویروس های ولایت فقیه در افغانستان میپردازند.

که از جمله این جواسیس و مبلغان، تبلیغ و ترویج آیه های شیطانی ولایت فقیه در افغانستان هر یک کاظم «کاظمی»، حسینی «امیری»، رضوانی «بامیانی»، نور رحمان «اخوانی»، زکریا «رحیل»، جواد «محسنی» و دیگران را میتوان نام گرفت. ایران همسان ایالات متحده امریکا، فعالیت های اطلاعاتی و فرهنگی خود را در افغانستان تحت عبارت معروف «کمک های بشردوستانه به موسسات خیریه مانند بنیاد امام «خمینی» انجام میدهد که این نوع فعالیت ها دخالت خطرناک رژیم ایران را در افغانستان نشان میدهد. چنانچه که یک مقام عالی رتبه در دولت در سال (2012) به والستریٹ ژورنال گفت: «نفوذ واقعی ایران در اینجا چنان است که ایران با یک ضربه محکم ناگهانی با انگشتان دست خود میتواند که تا (20000) افغان را بسیج و بحرکت در آورد که این نوع بازی بسیار خطرناکتر از بازی بمب گذاران انتحاری است که از پاکستان به افغانستان فرستاده میشوند» ولی علیرغم همه تفاوتها و اختلافاتی که بین ایران و ایالات متحده امریکا در قبال افغانستان وجود دارد با آنهم در یک نقطه باهم در توافق و همگرایی اند و آن یعنی یک پارچه سازی اندیشه بنیادگرایانه و ادامه

حمایت از ارتجاع ترین و تاریکترین و جنایت کارترین عناصر بنیادگرا در افغانستان و با دارنظر داشت همین دلیل است که ایالات متحده امریکا نمیخواهد که جلو فعالیت های ایران را در افغانستان بگیرد و یا سد راه فعالیهای ایران در افغانستان شود.

از سوی دیگر برای همه معلوم و آشکار است که ایالات متحده امریکا هرگز در یک کشور بخاطر رفاه مردم آن کشور کاری نکرده است بلکه دائماً برای تامین منافع و اهداف خود کار میکند و به خاطر تامین منافع خود در افغانستان در دهه های (1980) و (1990) بیش از صد ها تن از انقلابیون و جنگجویان آزادیخواه را توسط مزدوران اجیر بنیاد گرایی خود سربسته کرد و امریکا معمولاً این نوع تکتیک ها را خاص بخاطر جلوگیری از ظهور ناسیونالیست ها، مبارزان آزادیخواه و طرفداران حق و عدالت اجتماعی و شخصیت های ملی و وطن دوست و نیروهای مقاومت بکار می برد یعنی آنها را از بین می برد که در مقابل اشغال ایالات متحده امریکا از خود واکنش نشان بدهند.

**ایدو مونتیسانتی: شما امروز افغانستان را چطور می بینید؟ چونکه دونالد ترومپ در ماه جنوری (2017) قدرت را بعد از سپری شدن دوره زمامداری بارک اوباما بدست گرفت است؟ لذا نظر شما در مورد استراتژی جدید رییس جمهور ایالات متحده امریکا دونالد ترومپ نسبت به کشور شما چسان است؟**

**فریبا:** امریکابا وجود اختلاف که در سیاست های داخلی خود دارد؛ اما آنچه که با دید بر آن کاملاً اطمینان داشت این است که سیاست خارجی ایالات متحده امریکا با آمدن و رفتن هر رییس جمهور ابداً تغییر نمیکند و یا در سیاست خارجی امریکا کدام تغییر چشمگیری بملاحظه نمیرسد؛ لذا سیاست خارجی ایالات متحده امریکا چه در زمان زمامداری بارک «اوباما» و «دونالد ترومپ» و آنچه که در زمان زمامت «بوش» بود همه یکسان بوده است و بخصوص سیاست خارجی امریکا به ارتباط افغانستان همان سان است که در قبال بودیعی جنگهای «دونالد ترومپ» مانند جنگهای بارک «اوباما» و «بوش» همه و همه هدف از فتح و ظفر در جنگ بود و است.

هر کسیکه در کاخ سفید براریکه قدرت تکیه زند و یا بنشیند به حفظ منافع (1%) و گسترش جنگ در سراسر جهان ادامه خواهد داد تا که هژمونی ایالات متحده امریکا را حفظ کند. و شرکت های امریکایی نفت خام کشورهای تحت اشغال را از آن خود سازند و نیز امریکای اشغالگر بنا به خصلت سودجویی خود در کشورهای تحت اشغال به خصوصی سازی همه نهادها و تاسیسات دولتی آن کشورها می پردازد و برای فروش کالاهای خود بازارهای جدیدی را در آن کشورها بازمیکند بویژه شرکت های تولید کننده سلاحها و شرکت های تجاری مزدور که از جنگ و ادامه جنگ بهره میگیرند و یا از فرصت های بازسازی فراوان ناشی از جنگ سودهای کلانی بدست می آورند.

اکنون در دولت «دونالد ترومپ» پیش از هر زمان دیگر دیده میشود که این نظام به

نسبت ایجا د شدن رخنه ها در حال فروپاشی وفا سد شدن ایالات متحده امریکا است مثل درگیری های میان کاخ سفید وکنگره شکست و از دست رفتن جنگ در سوریه درگیری در با تلاق های جنگ عراق و افغانستا ن وضعیت کلی رو به وخامت در جامعه امریکا اعم از افزایش نابرابری ؛ کاهش روزتا روز امکانات اجتماعی ؛ تیراندازی های جمعی نژادپرستی شگفت انگیز علیه امریکایی های افریقای تبار و سا یر اقلیت ها و بسا موارد بیشمار دیگر فقط برخی از مشکلات کنونی امریکا میباشد که با همچو پرابلم ها همین اکنون دست به گریبان است .



از سوی دیگر دستاوردهای بزرگ و چشمگیر مالی و قدرت روبه تزايد نظامی **چین** نیز غرور امریکا را مختل ساخته و به آن صدمه زده است ؛ و امریکا پیوسته از شکست خود انکار میکند ولی با اشغال افغانستان به شدت هرچه تمامتر به امید تداوم سلطه اش بر جهان پافشاری میکند و با پرتاب بمب عظیم بنام «مادربمب ها» در افغانستان به رقابای خود قدرت نمایی میکند ؛ ایالات متحده امریکا همین اکنون کاملاً می فهمد ویا این را درک نموده است که جنگ افغانستان را فتح ناشده اگر بحال خودش رها کند کابوس جنگ ویتنام تکرار خواهد شد ؛ لذا بادر نظر داشت همین دلیل واصل است که امریکا اکنون در با تلاق جنگ افغانستان درگیر مانده است و نمیتواند که افغانستان را بحال خودش رها کند بویژه در حال شکل گیری و ظهور قدرت روبه تزايد روسیه و **چین** . با وجود حجم عظیمی از پوشش رسانه ای که به اصطلاح (ستراتیژی جدید) توسط دونالد «ترومپ» اعلام شده است ؛ ستراتیژی است که در آن هیچ چیزی جدید بچشم نمی خورد بلکه همانا ادامه سیاست های جنگ سرد و زورگویی و خصیصه ای تجا وز گری امریکا است که کشور ما در رقابت خونین قدرت های جهانی غرق خواهد شد . چونکه اهداف بلند مدت ایالات متحده امریکا در کشور و در منطقه ما تغییری است و آنهم بخاطر غلبه بر رقابای منطقه ای خود امریکا یعنی به روسیه و به **چین** که اشغال افغانستان بخاطر تامین سلطه جویی و بخاطر رسیدن به اهداف جیوستراتژیکی امریکا است . نوسان تعدا نیروهای نظامی امریکا در افغانستان که بطور مداوم در طول (16) سال



اتفاق می افتد چیزی نو وجدید نیست و در ستراتیژی و یا در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا اقدام تغییر چشمگیری بوجود نیاورده است؛ اما آنچه که اکنون ایالات متحده امریکا در نظر دارد این است که چطور به غارت و چپاول مواد معدنی دست نخورده گرانبهای افغانستان دسترسی حاصل نماید و از فروش آن ملیاردها دلار را در جنگ های جدید طرح شده ای خود هزینه کند؛ چنانچه که «دونالد ترومپ» بگرض دسترسی به این منابع معدنی افغانستان با ریس جمهور افغانستان اشرف «غنی» از طریق تیلیفون به تماس آمد و ریس جمهور پیمان شکن و میهن فروش ما نیز بلافاصله تقاضای «دونالد ترومپ» را مبنی بر استخراج این منابع توسط شرکت های امریکایی پذیرفت.

موضوع قابل تذکر از اینکه چرا در افغانستان امنیت و مصونیت وجود ندارد؟ علل و عوامل آن زیاد شدن نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ایجاد دولت اسلامی افراطی (ISIS) و طالبان در افغانستان است و اینهم فقط بخاطر نشان دادن قدرت امریکا به رقبای منطقه یعنی به روسیه و چین و ایران.

تقویت نیروهای هوایی تحت استراتژی جدید دونالد «ترومپ» موجب آن شد که دهها غیرنظامی در بمبارد مان های کور از طرف نیروهای هوایی امریکا در این هفته ها زندگی خود را از دست دهند.

صریحاً باید گفت که از این ستراتیژی جدید دونالد «ترومپ» تنها سران مافیای دولت دست نشانده و نوکران فکری امریکا در افغانستان حمایت میکنند و مردم را به پذیرش این ستراتیژی تشویق مینمایند. چونکه ارباب آنها چنین تصمیم گرفته است تا به ادامه حیات شوم و گسترش زمان اقامت خود در کشور ادامه دهد.

ما نباید با وارد کردن فشار لفظی از طرف امریکا بالای پاکستان فریب خوریم چونکه تاریخ مناسبات ایالات متحده امریکا و پاکستان از دهه ها سال به اینطرف نشان میدهد که دولت کثیف و ارتش تروریستی؛ اردوی پاکستان را چه از نظر تریننگ و چه از نظر تسلیحاتی و مالی کمک نموده و همین اکنون نیز کمک مینماید تا اینکه این پاکستان متحد امریکا است که گروه های متخاصم و ارتجاعی و تروریستها را بگرض کشتن و قتل عام مردم ما به افغانستان مطابق به دستور امریکا می فرستد.

همچنان ایالات متحده امریکا در مورد نقش پاکستان در توانمند سازی طالبان در مدت (16) سال گذشته آگاهی همه جا نده داشته ولی با آنهم ملیاردها دلار به پاکستان و بویژه بگرض تقویه و تسلیحات هرچه مجهز شدن اردوی پاکستان کمک نمود که این کمک ها تا هنوز هم صورت میگیرد. زیرا که در کنار دولت عروسک خود در کابل - غرب به طالبان نیاز داشت تا طالبان را بخاطر توجیه حضور نظامی خود در افغانستان ایجاد کند. دونالد «ترومپ» اساساً تلاش بخرچ داد تا اگر بتواند پاکستان و هند را در افغانستان به جنگ بکشاند و پاکستان را با برقراری روابط نزدیک اش با روسیه و چین هشدار دهد.

اما هرگز بالای پاکستان فشار نیا ورده است که پاکستان از حمایت کردن طالبان دست کشد یعنی که پاکستان را بر متوقف ساختن حمایت اش از طالبان و سایر گروه های تروریستی تحت فشار قرار نداده است.

**ایدو مونتیسانتی**: شما در مورد سابقه قاچاق مواد مخدره توسط سازمان (سی آی ای) در کشور خود چیزی گفتی دارید؟

**فریبا**: سازمان سیاه سابقه طولانی در دادوستد و تجارت و قاچاق مواد مخدره در تمام نقاط جهان و بویژه در کشورهای تحت تصرف و اشغال امریکا داشته و دارد، تاجاییکه چند موارد از ترافیک مواد مخدره مورد توجه و بررسی روزنامه نگاران قرار گرفته و بعداً این مورد پوشیده و در سایه باقی گذاشته شده است.

تا ریخ سیاه با تجارت مواد مخدره در کشور ما در دهه (1980) آغاز شد چونکه مواد مخدره بعنوان سریعترین و ساده ترین راه برای کسب درآمد و سود بغرض ایجاد پروکسی (جنگ های نیابتی) سازمان سیاه و نیروهای شبهه نظامی در کشوری مختلف میباشند. گاری ویب (Gary Webb) روزنامه نگار شجاع کسیکه رسوایی قاچاق مواد مخدره نیکاراگوا را در معرض رسوایی قرارداد تا آنکه با اقدام گسترده ای از سوی رسانه های اصلی بخود کشی رانده شد توضیح این موضوع چنین است:

« ما سازمان سیاه بخاطر انجام عملیات های مخفی خود به پول نیاز داریم لذا سریعترین راه بدست آوردن پول افزایش و فروش کوکا بین است. شما این کوکاین را به کجاها انتقال میدهید؟ ما نمیخواهیم چیزی در این مورد بشما بگویم و یا نمیخواهیم که شما در این مورد چیزی بدانید. »



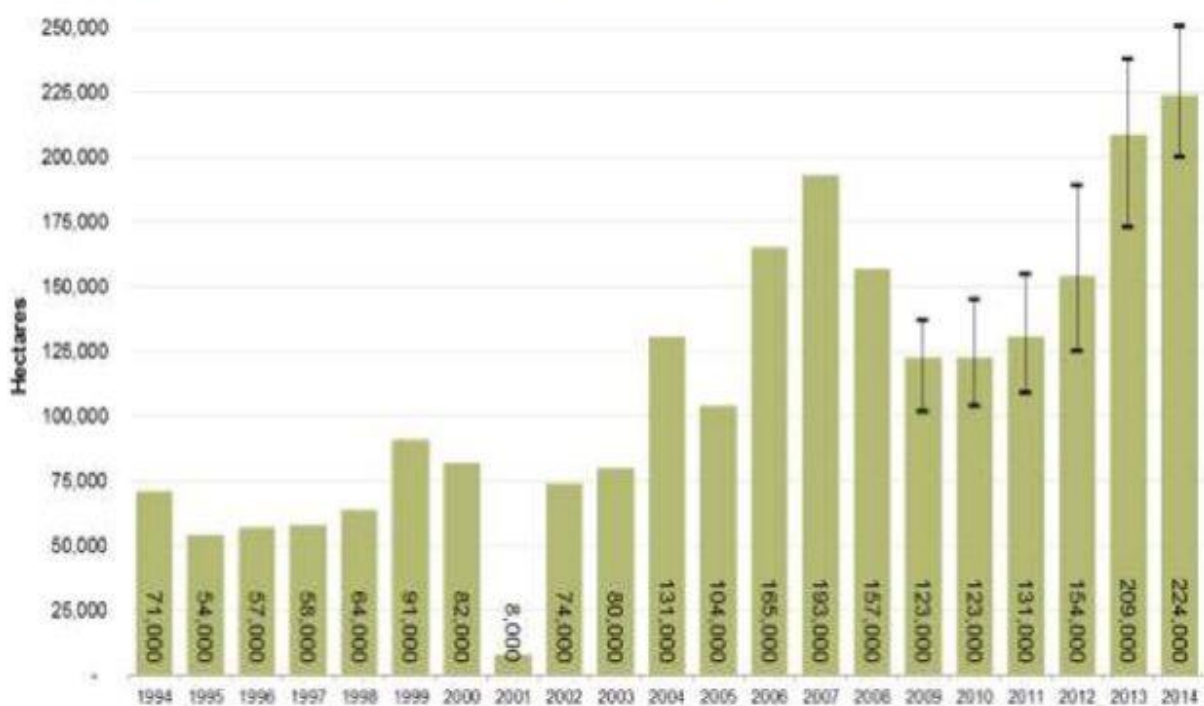
### سربازان امریکایی در مزارع خشخاش در افغانستان

این تکتیک در طول جنگ سرد بسیار موفقانه بود چنانچه که تامین روابط و نیروهای مجاهد افغانستان در خدمت گذاری به ایالات متحده امریکا از طریق دادوستد مواد مخدره صورت گرفت.

قبل از تهاجم ایالات متحده امریکا بالای افغانستان در سال (2001) تولید مواد مخدره تقریباً توسط طالبان ریشه کن شده بود (به جدول ذیل بنگرید) اما درست بعد از تهاجم

امریکا بالای افغانستان تولید مواد مخدره شروع به افزایش کرد . تا جایکه امروز افغانستان (90) درصد تریاک جهان را تولید میکند. چنانچه همین حالا افغانستان خود در استانه ای تبدیل شدن به یک دولت مواد مخدره است. گذارش ها از سوی نیروهای امریکایی رسیده است که آنها اعتراف کرده اند که مواد مخدره را از افغانستان توسط هواپیماهای امریکایی به خارج از افغانستان انتقال میدهند.

Figure 1: Opium cultivation in Afghanistan, 1994-2014 (Hectares)



### منبع سازمان ملل متحد ویانا

احمد ولی «کرزی» والی ولایت کندهار که اکنون مرده است یکبار بزرگترین فروشنده مواد مخدره نه تنها در افغانستان بلکه معامله گر کلان در منطقه بود و راپورها حاکی از آن است که این تجار نامی مالا مال در خدمت سازمان سیاه قرار داشت حتی که مقامات امریکایی صریحاً اعتراف میکنند که آنها با او یکجا در عملیات ها و ترافیک مواد مخدره سهم می گرفتند.

نماینده اداره مبارزه با مواد مخدره ایالات متحده امریکا (DEA) ادوارد فولیس (Edward Follis) اعلام کرد که سازمان سیاه مجبور به نادیده گرفتن تجارت مواد مخدره در افغانستان است. اخیراً جان ابوتسفورد (John Abbottsford) تحلیلگر سابق سازمان سیاه و جانباز جنگی که در افغانستان جنگیده است اعتراف کرد که سازمان سیاه در قاچاق مواد مخدره در افغانستان نقش بسزای داشته است. حتی اگر این ادعا ها و گذارشات را نادیده هم بگیریم ؛ اعتقاد بر این است که یک ابر

قدرت با داشتن این تکنولوژی مدرن و پیشرفته ای در کار نظارت و جمع آوری اطلاعات چرا نمیتواند که مزارع خشخاش را دریابد و یا آنرا نابود کند و یا مسیرها و معابری را که از آن راهها تریاک قاچاق میشود نتواند ببندد و آنها در یک کشور تحت اشغال خود نظیر افغانستان؟

واقعیت این است که بودجه اختصاصی (8) میلیارد دلاری در دهه گذشته در تلاش بخاطر امحای وریشه کن سازی مواد مخدره که در افغانستان بمصرف رسانده شد؛ خود نشانگر آن است که تجارت مواد مخدره در خدمت برخی از تامین منافع ایالات متحده امریکا در افغانستان میا شد. یا اینکه این اقدامات از قبل پایان یافته است. سایر بازیکنان در این تلاش های به اصطلاح مبارزه بامواد مخدره چون پیمانکاران خصوصی امریکا در افغانستان هستند که میلیون ها دلار را از طریق قراردادهای مواد مخدره بدست می آورند. یکی از بزرگترین و سودمند بردترین این شرکت های پیمانکار شرکت نظامی خصوصی بنام بلیک واتر (Black Water) است که طبق گفته آژانس (RT = روسیه امروزی) این سازمان بلیک واتر (569) میلیون دلار از جنگ در افغانستان سود بدست آورده است و این جنگ، جنگ شکست خورده به سود زیادی برای آنها تمام شده است.

**چند سطر در مورد ایدو مونتیسانتی** : او یک تحلیلگر، محقق و روزنامه نگار مستقل است؛ که آثار و نوشته های او در رسانه اعم از Nolan chart , پرودا و گلوبال ریسرچ؛ تیلیسور؛ **Observatorio da imprensa** مجله کاراسوامیگوس و دیگر رسانه ها و وبسایت ها در سراسر جهان زیور چاپ را می یابد.

----- **با تقدیم سلام ها** « 2018-02-08 »